



آسیب شناسی در جه بندی هشت گانه مجازات‌های تعزیری

*محمد ابراهیم شمس ناتری

**هادی کرامتی معز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۱۴

چکیده

در نظام‌های عدالت کیفری معمولاً کلیه جرایم و مجازات‌ها از نظر شدت و ضعف طبقه‌بندی می‌شوند. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ هر چند چهار نوع مجازات - حدود - قصاص - دیات و تعزیرات پیش‌بینی شده است؛ لیکن به دلیل ثابت بودن مجازات‌های منصوص شرعی و فقدان اختیار قضایی در تخفیف یا تبدیل، امکان درجه بندی آن‌ها وجود نداشته است؛ لذا قانونگذار در ماده ۱۹ تنها مجازات‌های تعزیری را به هشت درجه تقسیم نموده است. درجه بندی صحیح مجازات‌ها، نقش موثری در صدور احکام قضایی عادلانه و متناسب با جرایم داشته و ایجاد نظم در رویه قضایی را موجب می‌شود و همچنین حاکمیت هر چه بیشتر اصل قانونی بودن مجازات را در پی دارد؛ در حقوق ایران نیز این موضوع مطمح نظر قانونگذار قرار گرفته است و مجازات‌های تعزیری را در ماده ۱۹ بر هشت درجه تقسیم نموده است؛ در واقع مقنن با لحاظ مبنای درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری در جهت فردی کردن مجازات‌ها گام برداشته یعنی بدنبال تعیین مجازات متناسب با شخصیت مجرم عمل نموده است؛ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، ماده‌ای نیست که مجازات برای جرم یا جرایمی پیش‌بینی کرده باشد؛ در واقع ماده مجازات دهنده‌ای نیست، این ماده اهمیتش بیشتر از حیث اجرای قواعدی است که در این قانون پیش‌بینی شده است یعنی قواعد عمومی جرایم و مجازات‌ها؛ در واقع این قواعد اجرایشان مقید است به این که جرم در کدام درجه از این درجه‌بندی‌های هشت‌گانه قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: تعزیرات، درجه‌بندی مجازات‌ها، اصل فردی کردن مجازات، حقوق کیفری

*دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران

**مدرس دانشگاه و پژوهشگر دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

keramatihadi@gmail.com

مقدمه

یکی از نوآوری‌های مهم قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری به هشت درجه است.^۱ در لایحه که قوه قضاییه تنظیم کرده و آن را به دولت و از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد؛ تعزیرات به سه دسته جنحه، خلاف و جرم تقسیم شده بود، اما این درجه‌بندی مورد تایید کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی واقع نشد و مرکز پژوهش‌ها مجلس پس از بررسی، تعزیرات را به هشت درجه تقسیم‌بندی کرد که این اقدام به تصویب اعضای کمیسیون مجلس رسید و توسط شورای نگهبان نیز تایید شد؛ که با قانونی و اجرایی شدن لایحه پیشنهادی، اهمیت بررسی ماده ۱۹ و تبصره‌های منضم و توصیفی آن در ضمن پژوهش، ضرورت انجام تحقیق را مضاعف نموده است؛ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که پیشینه تفینی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نداشته، مجازات‌های تعزیری را به هشت درجه تقسیم کرده و برای هر درجه تعدادی از مجازات‌ها با میزان متفاوت را در نظر گرفته است. علت این درجه بندی، این است که مجازات‌ها را ضابطه‌مند کند چون یکی از مشکلات قوانین گذشته این بود که مجازات‌ها ضابطه نداشته و قضات در اینباره اختیار عجیبی داشتند که باعث از بین رفتن ابهت مجازات و کیفر می‌شد؛ برجسته‌ترین و محوری‌ترین ویژگی تعزیر، درجه‌بندی هشتگانه است.^۲

۱. درجه اول

- حبس بیش از بیست و پنج سال

-
۱. شمس ناتری، محمد ابراهیم؛ قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد اول، تهران: انتشارات میران، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۸۷.
 ۲. کرامتی معز، هادی؛ مبانی و کارکردهای درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری مصوب ۱۳۹۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴، ص ۹.

- جزای نقدی بیش از یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

- مصادره کل اموال

- انحلال شخص حقوقی

حبس بیش از بیست و پنج سال در قوانین کیفری ایران به سختی یافت می‌شود و حبس ابد چون یک کیفر جداگانه با میزانی مشخص به اندازه عمر محکوم است، حبس بیش از ۲۵ سال دانسته نمی‌شود؛ پیش‌بینی نکردن حبس ابد و اعدام در درجه یک موجب شده صلاحدید قضایی در هاله‌ای از ابهام قرار بگیرد در واقع مقنن نوعی محافظه کاری قانونی کرده است. که این شیوه تقنین مخالف اصل قانونی بودن مجازات‌ها و رویه معمول کشورها در درجه‌بندی مجازات‌ها می‌باشد؛ اصل قانونی بودن مجازات‌ها و لزوم تعیین سطح اعلی کیفر در درجه اول ایجاب می‌کند که مقنن همانند درجات هفتگانه، حداکثر کیفر حبس و جزای نقدی در ماده ۱۹ صریحاً معلوم و بیان کند.^۱

در ماده‌های گوناگون کتاب نخست قانون، از کیفر اعدام و حبس ابد سخن به میان آمده و نشان از حضور قوی این دو کیفر در نظام کیفری ایران است. از یک سو حبس ابد و اعدام کیفرهایی برابر کیفر حدی‌اند و از سوی دیگر در زیر تعزیر بیان نشده‌اند؛ نگارنده با دو تحلیل اثبات می‌کند که مجازات‌های اعدام و حبس ابد مشمول درجه ۱ ماده ۱۹ قرار نمی‌گیرند.

تحلیل اول: پیش‌بینی دو نوع عمده‌ی کیفر «حدود» و «تعزیرات» (مجازات‌های معین یا قطعی و مجازات‌های نامعین یا غیرقطعی) از جمله مفاهیم بسیار معنادار در سیاست جزایی اسلام است.^۲ اینگونه تنوع به روشنی از یک سیاست کیفری واقع‌بین، انسانی حکایت می‌کند. اما در این میان، واقعیت مورد غفلت این است که حد و تعزیر درست

۱. کرامتی معز، هادی؛ پیشین، ص ۲۸.

۲. حاجی ده آبادی، احمد؛ طبقه‌بندی مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی؛ جایگاه تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده؛ شماره ۶۹، بهار ۱۳۸۹، ص ۱۳.

۲۱۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۵

و دقیق فهم نشده‌اند و از این رو اهداف و مقاصدی را که در پس تشریح این دو دسته مجازات قرار دارند، آنچنان که باید و شاید تامین نمی‌کنند. در این مقال و مجال مقصود اصلی نشان دادن فاصله‌ای است که از نظر ما بین تعاریف و برداشت‌های فقهی و حقوقی رایج از حدود و تعزیرات از سویی و مقاصد حکیمانه تشریح آن‌ها، از سوی دیگر وجود دارد.

لکن، «با توجه به توافق اجمالی راجع به تعریف مجازات حد و عدم اختلاف بین فقها درباره‌ی این که مجازات حد مجازاتی است که برای جرایم مشخص توسط شارع تعیین و تصریح شده، ملاحظه می‌شود که، حتی بنا بر بارزترین دیدگاه راجع به تعزیر، راه بر استفاده بهینه از تنوع مجازات‌ها، حد و تعزیر بسته است. زیرا به این ترتیب فهرست جرایم مهم و مستوجب مجازات‌های معین و قطعی شارع نهایی و بسته شده و دیگر، در هیچ زمان و مکانی، جرم مهم دیگری که مجازات قطعی و معین در پی داشته باشد، خارج از سیاهه‌ی حدود در شرع، قابل تصور و تصویب نیست و هر جرمی که مصداق هیچ یک از جرائم حدی منصوص در شرع نباشد، جرم تعزیری است و قابل مجازات «دون الحد» و «بمیراه الحاکم» می‌باشد^۱؛ زیرا مراد از قاعده التّعزیر دون الحد این است که «هیچکس را نمی‌توان از طریق تعزیر، اعدام یا حبس ابد یا حکم به شلاق حدی یا قطع اعضا نمود زیرا این مجازات‌ها در اعمال حدی الزام‌آور است»^۲

این در حالی است که بی‌گمان در روزگار ما اعمال مجرمانه‌ای وجود دارند که، از سویی، به اندازه‌ای خطیر و مهم شمرده می‌شوند که برای آن‌ها مجازات‌های معین و قطعی پیش‌بینی شده است و از سوی دیگر، با هیچ یک از عناوین مجرمانه‌ی مستوجب حد انطباق ندارند. بی‌شک جرایمی از قبیل جاسوسی و قاچاق مواد مخدر بسیار بیشتر از جرایم حدی مانند تفخیز و شرب مسکر و خیم و غیر قابل اغماضند و مجازات‌هایی

۱. حسینی، محمد؛ دوگونه کیفر در مقابل دو دسته بزه؛ فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی،

دوره ۳۹، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸، ص ۱۴

۲. مکارم شیرازی، ناصر؛ تعزیر و گستره آن، قم: مدرسه امام علی ابن ابی طالب، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶.

ثابت و قطعی را ایجاب می‌کنند؛ در حالی که در چارچوب هیچ یک از تعاریف جرایم مستوجب حدّ نمی‌گنجند.

از خاستگاه قول فقها به حصر «حدود»، در موارد تعیین شده در شرع، راجع به اینگونه جرایم و مجازات‌ها ناچار باید به یکی از دو توجیه دست یازید:

توجیه اول: اندراج این دست جرایم تحت یکی از عناوین جرایم حدی؛ در این باره باید گفت تنها عنوان جرم حدی که ممکن است پنداشته شود ظرفیت مصادیق مختلف را دارد، «افساد فی الارض» است که فقط مواردی از جرایم می‌توانند مشمول عنوان افساد فی الارض دانسته شود که از مصادیق محاربه به شمار آیند و به اندازه‌ای وخیم باشند که محکومیت به مجازات محاربه را ایجاب کنند، لذا بر فرض صحت، بسیاری از جرایم نوپا ذیل عنوان افساد فی الارض نمی‌گنجند.

توجیه دوم: محسوب نمودن این دست جرایم جزء جرایم تعزیری؛ اشکال این راه حل نیز در این است که کیفر معین و قطعی نمی‌تواند تعزیر «بمیراه الحاکم» و قابل تطبیق با شخصیت مجرم و احوال ارتکاب جرم شمرده شود به علاوه، "دون الحد" بودن تعزیر با تعزیر شمردن مجازات‌های معین سنگین، از جمله اعدام که به حیات محکوم پایان می‌دهد جور در نمی‌آید.^۱

حکمت شرع و جامعیت و خاتمیت شریعت مستلزم پاسخگو بودن به نیازهای بشر در همه اعصار و امصار است و حکومت او به معنای این است که شارع در کنار بیان احکام عمومی و فراگیر، پاره‌ای احکام مرتبط با وقایع و اوضاع خاص زمان و مکان خود صادر کرده است که نباید به عنوان احکام ذاتی و کلی تلقی شوند. به زبان دیگر "استباط و فهم ما از ادله شرعی این است که شارع، در بیان و عمل خود، اولاً در مقام احصاء حصری موارد حد و تعزیر نبوده است؛ و ثانیاً، در همه‌ی موارد درصدد بیان حکم کلی نبوده است؛ بلکه اقوال و افعال شارع مقدس مبین این فراز مهم سیاست کیفری در نظام اسلامی بوده که جرایم بر دو دسته‌اند: مهم و غیرمهم (یا پراهمیت و کم

۱. حسینی، محمد؛ پیشین، ص ۱۵.

۲۱۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۵

اهمیت). به جرایم دارای اهمیت بیشتر با ضمانت اجرای کیفری معین و قطعی پاسخ داده می‌شود و جرایم دارای اهمیت کمتر می‌توانند با واکنش کیفری نامعین و غیرقطعی پاسخ داده شوند.^۱

نتیجه این استدلال این می‌شود که: اختلاف راجع به تعداد حدود از بین می‌رود؛ زیرا دیگر حدود توصیفی و فهرست و احصاء‌شده‌ی نهایی توسط شارع دانسته نمی‌شود تا اختلاف بکنیم که شمار آن چند است و فلان جرم حدی است یا تعزیری، بلکه بسته به مقتضیات مدیریت امور جامعه و ملزومات اعمال حاکمیت، توسط حاکم اسلامی، فهرست جرایم حدی که کیفر معین و قطعی را ایجاب می‌کنند، نوسان پیدا می‌کند. همچنین اختلافات راجع به این که مقصود از "دون الحد" بودن تعزیر چیست از میان می‌رود. بنابراین، ناگزیر نخواهیم بود مجازات‌های معین و احیاناً شدیدترین نوع کیفر نظیر اعدام و حبس ابد را تعزیر محسوب کنیم در حالی که تعزیر کیفر "دون الحد" و "بمابراه الحاکم" است و غیرقابل صدق بر مجازات معین و شدید است. پس با تحلیل فوق مجازات‌هایی نظیر اعدام و حبس ابد در زمره مجازات‌های تعزیری درجه اول قرار نمی‌گیرند.

تحلیل دوم: در شروع به جرم به موجب ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی ۹۲ در بند الف مقرر شده است که: «در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار»؛ همچنین در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ در ماده ۳۰۲ مقرر شده است: «به جرایم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود: الف- جرایم موجب مجازات سلب حیات ب- جرایم موجب حبس ابد...»

ت. جرایم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر»

۱. حسینی، محمد؛ پیشین، ص ۱۶.

مقنن سلب حیات و حبس دائم را به طور جداگانه و مستقل از تعزیر درجه یک شناخته است. پس با توجه با تحلیل‌های موفق مناسبترین پاسخ این است که اعدام و حبس ابد در محدوده‌ی مجازات‌های تعزیری هشت گانه شناخته نمی‌شود.

میان مصادر کل اموال و مصادر اموال فرق هست. تعبیر «مصادر کل اموال» در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به عنوان ضمانت اجرایی برای شخص حقوقی محکوم است ولی در مصادر اموال، تنها اموال به دست آمده از بزه صادره می‌شود که معنایی نزدیک به ضبط اموال در مقام کیفر پیدا می‌کند. ضبط اشیاء و اموالی که در ارتکاب جرم به کار رفته یا مقصود از آن به بکارگیری در ارتکاب جرم بوده است از شمول این ماده و بند ب ماده ۲۰ خارج و در مورد آن‌ها برابر ماده ۲۱۵ این قانون عمل خواهد.

مصادر نیز فقط ناظر به مصادر کل است که به جهت قرارگرفتن در درجه یک تنها ناظر به شخص حقوقی است. پس مصدورهایی که در جرایم مواد مخدر یا پولشویی صورت می‌گیرد در درجه یک جای نمی‌گیرد.

برجسته‌ترین مصادر اموال در بزه‌های مواد مخدر انجام می‌گرفت که در اصطلاحات قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۸۹، به جای "مصادر اموال به استثناء هزینه زندگی متعارف برای خانواده محکوم" عبارت "مصادر اموال ناشی از همان جرم" به کار گرفت که همین معیار در قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ نیز به کار گرفته شده و نشان می‌دهد که یک کیفر مهم و اصلی نیست تا در درجه‌بندی کیفر جای بگیرد؛ با این تفاوت که در ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی تعبیر "مصادر" به کار گرفته نشده و به استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم مشتمل بر اصل و منافع حاصل (و اگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن) اشاره شده است.

با این حال بخش پایانی تبصره ۵ ماده ۱۹ به گونه ای وانمود می‌کند که در درجه یک مصادر اموال به طور کلی نظر دارد. طبق این بخش در هر مورد که حکم به مصادر اموال صادر می‌شود باید هزینه‌های متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل

۲۱۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۵

او مستثنی شود. این جمله را باید نسبت به محکوم حقیقی در برابر محکومیت شخصی حقوقی به مصادره کل اموال لحاظ کرد نه اینکه مصادره‌های پیش بینی شده در قانون‌های کیفری دیگر در برگیرد مگر آنکه به مصادره کل اموال اشاره شده باشد. با آن که هیچ مقرره شکلی برای رسیدگی به اتهام شخص حقوقی وجود ندارد ولی با الگوگیری از برخی نظام‌های حقوقی در جایی که شخص حقوقی فعالیت مجرمانه می‌کند یا بخشی از فعالیتش مجرمانه است، همه کارکنان و اعضای حقیقی شخص حقوقی نیز محکوم به شمار می‌آیند و به همین دلیل استثناء کردن هزینه‌های متعارف باید تنها در راستای مصادره کل اموال که ناظر به ضمانت اجرای شخص حقوقی است لحاظ شود.

انحلال شخص حقوقی نیز تنها مختص شخص حقوقی محکوم است و به همراه مصادره کل اموال تنها در جایی تعیین می‌شوند که شخص حقوقی برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصرأدر جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد.^۱

۲. درجه دوم

- حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال
- جزای نقدی بیش از پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

۱. جهت نظر مخالف ر.ک، الهام، غلام حسین و برهانی، محسن، درآمدی بر حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: انتشارات میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۲، صص ۱۰۲-۱۰۳؛ ایشان معتقدند: «منظور از مصادره کل اموال مندرج در مجازات‌های تعزیری، مواردی است که قانون به صورت خاص حکم به مصادره اموال صادر کرده است. به نظر می‌رسد که قانونگذار در تعزیر درجه یک ماده ۱۹، تنها نگاه به مجازات‌های سنگینی در جرایم موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی و جرایم مواد مخدر و قاچاق داشته است... یا مثلاً ماده ۷۱۲ قانون که مقرر می‌دارد:... کلیه اموالی که از طریق تکدی و کلاشی به دست آورده است مصادره خواهد شد».

اشکال مهمی که بر عملکرد مقنن وارد می‌شود، این است که میان مجازات‌های مندرج در یک درجه، توازن وجود ندارد؛ توضیح بیشتر آنکه مطابق ماده ۲۷ این قانون، به ازای هر روز بازداشت موقت، یک روز از مقدار حبس، سیصد هزار ریال از جزای نقدی و سه ضربه از کیفر شلاق محکوم، کاسته می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان از ماده ۲۷، این ایده را گرفت که از نگاه مقنن، یک روز حبس با سیصد هزار ریال جزای نقدی و سه ضربه شلاق برابری می‌کند؛ اندکی تأمل در میزان مجازات‌های مندرج در هر درجه، گویای عدم وجود توازن و تعادل در آن‌ها است.^۱

نیم‌نگاهی به کیفرهای حبس و جزای نقدی مندرج در درجه دو این ماده نیز عدم توازن را تأیید می‌کند؛ زیرا حداکثر حبس مندرج در آن، ۲۵ سال و معاد ۹۱۲۵ روز و معادل ۲/۷۳۷/۵۰۰/۰۰۰ ریال است. در حالی که حداکثر جزای نقدی مقرر، تقریباً معادل یک سوم مبلغ فوق می‌باشد. لذا شایسته است مقنن ضمن برقراری توازن در درجات فوق، خود به مفاد قاعده مقرر در ماده ۲۷ ملتزم و پایبند باشد.

۳. درجه سوم

- حبس بیش از ده تا پانزده سال
- جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون (۳۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

۴. درجه چهارم

- حبس بیش از پنج تا ده سال
- جزای نقدی بیش از یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا سیصد و شصت میلیون (۳۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

۱. توجهی، عبدالعلی؛ آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چاپ اول، ۱۳۹۴، ص ۳۶.

- انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی

هر چند در تعاریف قانونی جرایم، ضمانت اجراها تک‌گزینه‌ای است، برای نمونه مجازات قانونی جرایم مندرج در مواد ۶۱۲ و ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات به ترتیب حبس از سه تا ده سال و شش ماه تا سه سال می‌باشد لیکن واقعیت آن است مدل‌های تک‌گزینه‌ای بیشتر اوقات به کیفر مناسب ختم نمی‌شود و قاضی با صلاحدید قضایی باید مختار باشد تا از ابزار تبدیلی و ترکیبی کیفرها بهره‌جوید. این ملاحظات آرایش کیفرها و در نهایت درجه بندی آن‌ها را با دو یا چند گزینه به نمایش می‌گذارد برای مثال کیفرهای موضوع ماده ۶۰۸ قانون فوق‌الذکر دو گزینه‌ای یعنی مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی است. از سوی دیگر کیفرهای موضوع ماده ۶۰۹ همین قانون، سه گزینه‌ای یعنی حبس تعزیری سه تا شش ماه و یا تا ۷۴ ضربه شلاق و یا تا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی مقرر شده است. سرانجام این شیوه کیفرگذاری باعث شده تا درجات هشتگانه مجازات‌های تعزیری در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی در یک دسته مواجه به کیفرهای چند گزینه‌ای باشیم. برای مثال درجه چهارم آن از سه گزینه کیفر برخوردار است؛ این چندگانگی کیفرها در یک درجه، تحول درجه‌بندی جدید مجازات‌ها را نسبت به درجات تک‌گزینه‌ای با کیفر واحد در مواد ۸ و ۹ و ۱۲ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ را می‌رساند.^۱

۵. درجه پنجم

- حبس بیش از دو تا پنج سال

۱. کرامتی معز، هادی؛ میرخلیلی، سید محمود و محمودیان بگتاش، علی؛ فرود و فراز حقوق کیفری ایران مطالعه موردی: درجه‌بندی مجازات‌ها، ششمین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت و علوم مهندسی، بلژیک، مرکز بین‌المللی ارتباطات دانشگاهی، ۱۳۹۴، ص ۱۹.

- جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون (۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

- محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال

- ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی

- ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی

محرومیت از حقوق اجتماعی در اصل در جامعه کیفر تبعی است، زیرا محکومیت قطعی و پیشینه کیفری موثر نشانی از آن دارد که محکوم باید مدتی نیز همچون یک شهروند ناقص و رانده شده از برخی حقوق اجتماعی، پیامدهای اجتماعی رفتار مجرمانه‌اش را نیز درک کند. ولی گاهی قانونگذار به عنوان کیفر اصلی نیز به آن نگرسته است، مانند ماده ۵ قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند مصوب ۱۳۸۶ که طبق آن، مرتکبان جرایم زیر به دو تا پنج سال حبس و ده سال محرومیت از حقوق اجتماعی و هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شوند:

الف- وسیله تهدید قرارداد آثار مستهجن به منظور استفاده جنسی، اخاذی، جلوگیری از احقاق حق یا هر منظور نامشروع و غیرقانونی دیگر.

ب- تهیه فیلم یا عکس از محل‌هایی که اختصاصی بانوان بوده و آن‌ها فاقد پوشش مناسب می‌باشند مانند حمام‌ها و استخرها و یا تکثیر و توزیع آن‌ها.

ج- تهیه مخفیانه فیلم یا عکس مبتذل از مراسم خانوادگی و اختصاصی دیگران و تکثیر و توزیع آن‌ها

با این حال طبق تبصره ۱ ماده ۱۹، که می‌گوید، موارد محرومیت از حقوق اجتماعی همان است که در مجازات‌های تبعی ذکر شده است؛ شاید بتوان گفت که محرومیت‌های اجتماعی پیش‌بینی شده در قوانین باید بر پایه ماده ۲۵ تفسیر شده و مدت محرومیت بر اساس این ماده استوار گردد. ولی باید گفت که آن چه تبصره ۱ در پی آن است نه نسخ قوانینی مانند قانون بالا که معرفی حقوق اجتماعی است. به سخن

۲۲۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۵

دیگر برای دانستن حقوق اجتماعی و سنجش‌های تعیین آن باید به ماده ۲۵ مراجعه کرد و نه تعیین کیفری تبعی به عنوان کیفر اصلی آن هم کیفری که خود قانونگذار به تصریح پیش‌بینی کرده است. جدا از این، کیفرهای اصلی پیش‌بینی شده در قوانین طبق تبصره ۴ ماده ۱۹، دست نخورده اجرا می‌شوند و تنها برای تعیین قواعد عمومی بزه‌ها و کیفرها درجه‌بندی می‌شوند.

۶. درجه ششم

- حبس بیش از شش ماه تا دو سال
 - جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون ریال
 - شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه و تا نود و نه ضربه در جرایم منافی عفت
 - محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال
 - انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها
 - ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال
 - ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال
 - ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال
- درجه شش متنوع‌ترین و شایع‌ترین درجه از درجات هشتگانه است. در این درجه به انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها اشاره شده که به راستی یک کیفر نیست و بلکه از جهت ماهیت یک کیفر تکمیلی است. روشن نیست برای چه این تعبیر گنجانده شده ولی می‌توان گفت که کیفر اصلی مانند تعزیر چهره قضایی ندارد که به سبب تعیین قضایی در این درجه یا درجه‌های دیگر جای بگیرد بلکه این درجه‌بندی نه تنها برای

سنجش کیفرهای موجود در درجه‌های هشتگانه است بلکه دادن الگویی برای قانونگذار تا در آینده به این ضمانت اجرا نیز نظر کند.

«انتشار حکم فقط در درجه ششم قرار دارد که پیش‌بینی این مجازات و مجازات مصادره و شلاق و محرومیت از حقوق اجتماعی برای درجات خاص، محدودیت‌هایی را برای قاضی بوجود می‌آورد و با فلسفه‌ی تعزیرات که به دست قاضی سپرده شده و باید بر اساس ملاک‌های مذکور در ماده ۱۸ اعمال گردد سازگاری ندارد»^۱

محرومیت اجتماعی نیز درجه پنجم تا هفتم قرار دارد که مانند حبس و جزای نقدی، حداکثر محرومیت در هر درجه؛ حداقل آن در درجه بعدی می‌باشد. در اصل محرومیت از حقوق اجتماعی در مقام کیفر تبعی است و قانونگذار بخرد آن را در زمره کیفرهای اصلی بیان نمی‌کند.

چنانکه قانونگذار در یک مقررہ گیج کننده و سردرگم کننده محرومیت از حقوق اجتماعی را یک کیفر اصلی واصل نمی‌داند و بیشتر به آن چهره قضایی و اجرایی می‌دهد چون در تبصره ۱ ماده ۱۹ مقرر می‌دارد که موارد محرومیت از حقوق اجتماعی همان است که در مجازات‌های تبعی ذکر شده است. چالش‌های محرومیت از حقوق اجتماعی چنان فراوان است که در دنباله باز هم از آن خواهیم گفت.

نظر به اینکه مقنن در دو ماده ۱۳۴ و ۱۳۷، به صورت مطلق از لزوم تشدید مجازات از حداکثر تا به علاوه یک دوم سخن گفته است و این اطلاق شامل شلاق‌های تعزیری نیز می‌شود؛ صرف‌نظر از اشکال شرعی آن؛ مطابق مواد یاد شده امکان اعمال شلاق تعزیری از ۷۴ ضربه تا ۱۱۱ ضربه، وجود دارد. این در حالی است که بیشترین شلاق تعزیری در درجه ۶ تا ۷۴ ضربه معین شده است. سوال این است که اگر دادگاه بخواهد شلاق به بیش از ۷۴ ضربه شلاق را حکم کند و مثلاً ۱۱۰ ضربه مقرر دارد و در مقام

۱. زراعت، عباس؛ شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جلد اول، تهران: انتشارات جاودانه جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۲۸۰.

۲۲۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۵

اجرا بخواهد مجازات اشد را اجرا کند، ۱۱۰ ضربه یاد شده در کدام درجه قرار می‌گیرد؟

چنانچه ادعا شود مطابق جمله پایانی تبصره ۳ این ماده که مقرر می‌دارد: «همچنین اگر مجازاتی با هیچ یک از بندهای هشتگانه این ماده مطابقت نداشته باشد، مجازات درجه هفت محسوب می‌شود». ۱۱۰ ضربه شلاق یاد شده مشمول درجه ۷ خواهد بود؛ این اظهار نظر، ادعایی واهی و مضحک تلقی خواهد شد. بر این اساس شایسته است مقنن اگر بر شلاق بیش از ۷۴ ضربه اصرار داشته باشد باید در درجه ۵ آن را پیش‌بینی کند.^۱

۷. درجه هفتم

- حبس از نود و یک روز تا شش ماه

- جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست میلیون

ریال (۲۰/۰۰۰/۰۰۰)

- شلاق از یازده تا سی ضربه

- محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه

«مجازات شلاق در درجه شش و هفت قرار دارد که نشان می‌دهد مجازات شلاق در سیاست کیفری قانونگذار ما، مجازات متعادل روبه خفیف است و نحوه‌ی آن ملاک خاصی ندارد و به ترتیب عبارت است از: ۳۱ تا ۷۴ و تا ۹۹ در منافیات عفت، ۱۱ تا ۳۰ ضربه، تا ۱۰ ضربه؛ حداکثر این مجازات ۹۹ ضربه است^۲؛ به نظر می‌رسد قاعده شرعی «التعزیر دون الحد» باعث شده است که مقنن در درجات جرایم تعزیری در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، شلاق صد ضربه ثابت را وارد قلمرو مجازات‌های تعزیری ننماید.

۱. توجهی، عبدالعلی؛ پیشین، ص ۳۸.

۲. زراعت، عباس؛ پیشین، ص ۲۸۰.

«امروزه از ضمانت اجراهای کیفری ثابت مانند مصادره کل اموال، انحلال شخص حقوقی و انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی در کیفرگذاری و درجات کیفر به طور محدود و استثنا استفاده می‌شود و طیف گسترده‌ای از واکنش‌های رسمی در درجات مجازات‌ها به مانند درجه هفت ماده ۱۹ به کیفرهای سالب آزادی، جزای نقدی، شلاق و محرومیت از حقوق اجتماعی اختصاص می‌یابد.»^۱

۸. درجه هشتم

- حبس تا سه ماه

- جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

- شلاق تا ده ضربه

برخی با توجه به عدم ذکر حداقل مدت حبس در درجه هشتم و ظاهر قانون، احتمال حبس دقیقه‌ای یا ساعتی را بعید ندانسته‌اند.^۲ اما میزان مجازات باید به مقداری باشد که موجب وهن احکام قضایی نشود؛ لکن این شیوه تفنین ناشی از اعتماد بیشتر به قضات کیفری می‌باشد که در مجازات تعزیری متکی به قاعده «الایسر فالایسر» است. یکی از ایرادات درجات هشنگانه که به آن اشاره کردیم؛ عدم انطباق میان مجازات‌های مندرج در یک درجه است که در درجه هشت کاملاً مشهود است؛ اگر در این درجه کیفر حبس را ملاک و محور اصلی قرار دهیم، حداکثر آن، ۹۰ روز و براساس روزی سیصد هزار ریال، معادل دو میلیون و هفتصد هزار ریال و نیز براساس احتساب هر روز بازداشت موقت با سه ضربه شلاق، معادل ۲۷۰ ضربه شلاق می‌شود در حالی که کیفر شلاق مقرر، یک بیست و هفتم و جزای نقدی مقرر در درجه فوق،

۱. میرزایی احمد؛ مبانی و مدل‌های درجه‌بندی مجازات‌ها؛ رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی؛

دانشگاه تهران، پردیس فارابی، ۱۳۹۴، ص ۹۶.

۲. زراعت، عباس؛ پیشین، ص ۸۳.

۲۲۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۵

تقریباً یک سوم میزان مجازات‌های معادل یاد شده می‌باشد و اگر کیفر شلاق، ملاک اصلی قرار گیرد، حداکثر آن یعنی ۱۰ ضربه، تقریباً با ۳ روز حبس توازن دارد که کیفر حبس مندرج در ماده، سی برابر آن است.

۹. تبصره‌های ماده ۱۹

تبصره ۱- موارد محرومیت از حقوق اجتماعی همان است که در مجازات‌های تبعی ذکر شده است.

تبصره ۲- مجازاتی که حداقل آن منطبق بر یکی از درجات فوق و حداکثر آن منطبق با درجه بالاتر باشد، از درجه بالاتر محسوب می‌شود.

تبصره ۳- در صورت تعدد مجازات‌ها، مجازات‌های شدیدتر و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است. همچنین اگر مجازاتی با هیچ یک از بندهای هشت گانه این ماده مطابقت نداشته باشد مجازات درجه هفت محسوب می‌شود.

تبصره ۴- مقررات این ماده و تبصره‌های آن تنها جهت تعیین درجه مجازات است و تاثیری در میزان حداقل و حداکثر مجازات‌های مقرر در قوانین جاری ندارد.

تبصره ۵- ضبط اشیاء و اموالی که در ارتکاب جرم به کار رفته یا مقصود از آن بکارگیری در ارتکاب جرم بوده است از شمول این ماده و بند (ب) ماده (۲۰) خارج و در مورد آن‌ها برابر ماده (۲۱۵) این قانون عمل خواهد شد. در هر مورد که حکم به مصادره اموال صادر می‌شود باید هزینه‌های متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او مستثنی شود.

مستثنی کردن هزینه‌های متعارف زندگی محکوم، از مال مورد مصادره آن هم به صورت مطلق، از موارد بسیار عجیب و غیرمنتظره‌ای است که مقنن آن را مطرح ساخته است. توضیح بیشتر آنکه اصولاً مصادره اموال مربوط به اموال نامشروع حاصل از جرم و یا به وسایل و ابزارهایی که در ارتکاب جرم مورد استفاده قرار گرفته‌اند، می‌باشد. اگر

اموال یاد شده از جرم حاصل شده باشد، چگونه و با کدام توجیه فقهی و حقوقی، مقنن به خود اجازه داده است که در یک اقدام انسانی!، هزینه‌های متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او را بدون ذکر مدت معین! از اموال نامشروعی که حکم به مصادره آن شده است استثناء کند؟

این در حالی است که اساساً، استثنا کردن هزینه‌های متعارف، در محکومیت‌های مالی و جزایهای نقدی است که بناست تمام یا قسمتی از اموال فرد، از وی گرفته و به دولت یا به بدهکاران حقیقی داده شود. که این مورد، شایسته اصلاح و بازنگری است. در صورتی که ضرورت، اقتضای الحاق تبصره به یک ماده از قانون را داشته باشد، بودن تردید این تبصره باید ابهامات متن ماده را مرتفع و یا قلمرو آن را محدود سازد و در هر حال باید ناظر به اصل ماده باشد؛ در متن ماده ۱۹، در هیچ درجه‌ای به ضبط اشاره نشده است و تنها در درجه یک، سخن از مصادره مطرح گردیده که قطعاً متفاوت از ضبط است. اگر در مقام توجیه عملکرد مقنن گفته شود که مراد مقنن از آوردن ضبط، می‌تواند مصادیق جمله ذیل تبصره ۳ این ماده باشد که مقرر می‌دارد:

«همچنین اگر مجازاتی با هیچ یک از بندهای هشتگانه این ماده مطابقت نداشته باشد، مجازات درجه هفت محسوب می‌شود»، پاسخ آن است که اساساً ضبط اقدامی موقت است. که نسبت به اموال به کار گرفته شده در جرم یا حاصل از آن، اتخاذ می‌شود و در نهایت این اموال، معدوم، مسترد یا مصادره می‌گردد و اگر در مواردی مقنن از ضبط به اسم مجازات یاد می‌کند، قاعداً باید از آن به عنوان مصادره تلقی شود که نیاز به حکم دادگاه دارد.

به هر حال در متن ماده، سخنی از ضبط مطرح نشده است. تا تبصره ۵، آن را تکمیل کند. و احتمال اینکه ضبط یاد شده از مصادیق قسمت پایانی تبصره ۳ باشد با توضیح ذکر شده، منتفی است و مطرح کردن مجدد مصادره در ادامه تبصره ۵، مؤید این نظر است.^۱

۱. توجیهی، عبدالعلی؛ پیشین، ص ۳۹.

۲۲۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۵

حتی اگر ضبط را نوعی مجازات و مشمول تبصره ۳ بدانیم، سوال این است که با وجود ماده ۲۱۵ قانون مجازات و تکرار بی‌کم و کاست آن در ماده ۱۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری جدید، چه نیازی به طرح آن در تبصره ۵ این ماده بوده است؟ درجه‌بندی هشتگانه کیفر هر چند ریشه در درجه‌بندی کیفرهای جنایی و جنحه‌ای در مقررات کیفری پیش از انقلاب و نیز برخی کشورهای باختری دارد، ولی شمار درجه‌ها تا هشت مورد، نشان از ناآگاهی قانونگذار از پیامدهای منفی اجرا و قضاوت دارد که به برخی چالش‌های آن در مباحث بعدی اشاره می‌شود.

نتیجه‌گیری

در نظام‌های عدالت کیفری معمولاً کلیه جرایم و مجازات‌ها از نظر شدت و ضعف طبقه‌بندی می‌شوند. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ هر چند چهار نوع مجازات-حدود- قصاص- دیات و تعزیرات پیش‌بینی شده است لیکن به دلیل ثابت بودن مجازات‌های منصوص شرعی و فقدان اختیار قضایی در تخفیف یا تبدیل، امکان درجه‌بندی آن‌ها وجود نداشته است لذا قانونگذار در ماده ۱۹ تنها مجازات‌های تعزیری را به هشت درجه تقسیم نموده است؛ درجه‌بندی مجازات‌ها که ابتدا در قانون مبارزه با قاچاق مسلحه و مهمات ۱۳۹۰ صورت گرفته و سپس در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به شکل مدون پیش‌بینی شده است یک حالت ابتکاری است. درجه‌بندی صحیح مجازات‌ها، نقش موثری در صدور احکام قضایی عادلانه و متناسب با جرایم داشته و ایجاد نظم در رویه قضایی را موجب می‌شود و همچنین حاکمیت هرچه بیشتر اصل قانونی بودن مجازات، را در پی دارد؛ در حقوق ایران نیز این موضوع مطمح نظر قانون‌گذار قرار گرفته است و مجازات‌های تعزیری را در ماده ۱۹ به هشت درجه تقسیم شده است. در واقع مقنن با لحاظ اهداف خود در جهت فردی کردن مجازات‌ها گام برداشته یعنی بدنبال تعیین مجازات متناسب با شخصیت مجرم عمل نموده و در این راستا با

توجه به بندهای چهارگانه‌ی ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی کیفرهای تعزیری را ضابطه‌مند کرده است.

برجسته‌ترین و محوری‌ترین ویژگی تعزیر، درجه‌بندی هشتگانه است؛ مقنن در درجه اول قائل به حبس بیش از بیست و پنج سال شده ولی این نوع کیفر در قوانین کیفری ایران به سختی یافت می‌شود و علاوه بر آن حبس ابد چون یک کیفر جداگانه با میزانی مشخص به اندازه عمر محکوم است، حبس بیش از بیست و پنج سال تلقی نمی‌شود. نتیجتاً پیش‌بینی نکردن حبس ابد و اعدام در درجه اول موجب شده صلاحدید قضایی در حاله‌ای از ابهام قرار بگیرد در واقع مقنن نوعی محافظه‌کاری قانونی کرده است. که این شیوه تقنین مخالف اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و رویه معمول کشورها در درجه‌بندی مجازات‌ها می‌باشد؛ اصل قانونی بودن مجازات‌ها و لزوم تعیین سطح‌اعلی کیفر در درجه اول ایجاب می‌کند که مقنن همانند درجات هفتگانه، حداکثر کیفر حبس و جزای نقدی در ماده را صریحاً بیان و معلوم کند.

استنباط و فهم ما از ادله شرعی این است که شارع، در بیان و عمل خود، اولاً در مقام احصاء حصری موارد حد و تعزیر نبوده است و ثانیاً در همه‌ی موارد در صدد بیان حکم کلی نبوده است؛ بلکه اقوال و افعال شارع مقدس مبین این فراز مهم سیاست کیفری در نظام اسلامی بوده که جرایم بر دو دسته‌اند: مهم و غیرمهم. به جرایم دارای اهمیت بیشتر با ضمانت اجرای کیفری معین و قطعی پاسخ داده می‌شود و جرایم دارای اهمیت کمتر می‌توانند با واکنش کیفری نامعین و غیرقطعی پاسخ داده شدند. نتیجه این استدلال این می‌شود که، ناگزیر نخواهیم بود مجازات‌های معین و احیاناً شدیدترین نوع کیفر نظیر اعدام و حبس ابد را تعزیر محسوب کنیم در حالی که تعزیر کیفر «دون الحد» و «بمأیراه الحکم» است و غیرقابل صدق بر مجازات معین و شدید است. پس مجازات‌هایی نظیر اعدام و حبس ابد نمی‌توانند در زمره مجازات تعزیری درجه اول قرار بگیرند.

۲۲۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۵

اصل تعیین قواعد عمومی کیفرها در برابر میزان کیفرها که براساس آن درجه‌بندی کیفرها برای تعیین نوع میزان مجازات‌های جرایم پیش‌بینی شده در قانون نیست؛ بلکه برای اعمال قواعد عمومی مجازات‌ها است. طبق تبصره ۴ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، مقررات این ماده و تبصره‌های آن تنها جهت تعیین درجه مجازات است و تاثیری در میزان حداقل و حداکثر مجازات مقرر در قوانین جاری ندارد. پس قرار نیست که مجازات‌های پیش‌بینی شده در قوانین کیفری دگرگون شود بلکه همان مجازات تعیین می‌شود. در واقع دادرس در تعیین کیفر برای بزه‌های تعزیری اصالتاً و ابتدائاً با درجه‌بندی نظر ندارد بلکه ابتدا میزان کیفر مرتکب را براساس ماده اصلی جرم مربوطه تعیین و سپس برای اعمال قواعد عمومی مانند تخفیف یا تشدید کیفر یا تعلیق اجرای مجازات به ماده ۱۹ رجوع می‌کند تا بداند جرم ارتكابی در چه درجه قرار می‌گیرد تا نسبت به اعمال یا عدم اعمال قواعد عمومی تصمیم بگیریم. البته این قضیه در همه جرایم صدق نمی‌کند نسبت به جرایم در قانونگذاری‌های آتی با پیش‌بینی خود قانونگذار، درجه‌بندی ماده ۱۹ برای میزان کیفر نیز به کار می‌آید مانند قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ که هر چند زودتر از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ تصویب شده ولی میزان کیفر را به ماده ۱۱۹ ارجاع داده است.

پیشنهادها

۱. میزان مجازات‌های مندرج در هر درجه با نصب العین قراردادن مفاد ماده ۲۷، مورد بازنگری و اصلاح، قرار گیرد.
۲. در صورت یافتن توجیه شرعی و اصرار بر شلاق بیش از ۷۴ ضربه، در ردیف مجازات‌های مندرج در درجه ۵، شلاق‌های تعزیری بیش از ۷۴ ضربه گنجانده شود.
۳. حداکثر حبس مندرج در درجه یک، مشخص و به عنوان نمونه ۳۰ و یا ۳۵ سال تعیین گردد.

تحلیل انتقادی درجات هشگانه مجازات‌های تعزیری.....۲۲۹

۴. در اختصاص تدرج مجازات‌ها به کیفرهای تعزیری وجهی نداشته و به دلیل وجود آثار درجه بندی مجازات‌ها؛ می‌توان این نوع درجه بندی را به تمام انواع کیفر اعم از حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تعمیم داد.

فهرست منابع

۱. الهام، غلام حسین و برهانی محسن (۱۳۹۲)؛ درآمدی بر حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: انتشارات میزان، چاپ دوم.
۲. توجهی، عبدالعلی (۱۳۹۴)؛ آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چاپ اول.
۳. حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۸۹)؛ طبقه‌بندی مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی؛ جایگاه تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده؛ شماره ۶۹.
۴. حسینی محمد (۱۳۸۸)؛ دوگونه کیفر در مقابل دو دسته بزه؛ فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره اول.
۵. شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۹۲)؛ قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد اول، تهران: انتشارات میران، چاپ اول.
۶. زراعت، عباس (۱۳۹۲)؛ شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ اول.
۷. زراعت، عباس (۱۳۹۳)؛ شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جلد اول، تهران: انتشارات جاودانه جنگل، چاپ اول.
۸. کرامتی معز، هادی (۱۳۹۴)؛ مبانی و کارکردهای درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.
۹. کرامتی معز، هادی؛ میرخلیلی، سید محمود و محمودیان بگتاش، علی (۱۳۹۴)؛ فرود و فراز حقوق کیفری ایران مطالعه موردی: درجه‌بندی مجازات‌ها، ششمین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت و علوم مهندسی، بلژیک، مرکز بین‌المللی ارتباطات دانشگاهی.

تحلیل انتقادی درجات هشنگانه مجازات‌های تعزیری.....۲۳۱

۱۰. محسنی مرتضی (۱۳۹۳)؛ دوره حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش.

۱۱. مکارم شیرازی ناصر (۱۳۸۳)؛ تعزیر و گستره آن، قم: مدرسه امام علی ابن ابی طالب.

۱۲. میرزایی احمد (۱۳۹۴)؛ مبانی و مدل‌های درجه‌بندی مجازات‌ها؛ رساله دکتری، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.